



استاد مرتضی زاهدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَسِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا

بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

فهرست مطالب

مقدمه

- ۱ معرفت نسبت به جایگاه اهل البیت علیهم السلام عامل اتصال به ایشان
- ۶ وصال به حقیقت حضرت زهرا سلام الله علیها، سخت یا آسان؟
- ۷ راز مخفی بودن مزار حضرت زهرا سلام الله علیها
- ۸ زیارت فضایل اهل البیت علیهم السلام از طریق معارف موجود در زیارت نامه های ایشان
- ۱۲ کلاس درس حضرت زهرا سلام الله علیها

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام الله ولادت و شهادت حضرات اهل البيت عليهم السلام که فرا می‌رسد، قلب‌ها مجذوب آن بزرگواران می‌شود. اما گاه به این جهت که معرفت ما نسبت به ایشان سطحی است، بهره‌های لازم را از این ایام نمی‌بریم. حال آن که هر قدر این معرفت عمیق‌تر شود بهره‌ انسان از حضور در چنین لحظاتی بیشتر خواهد شد.

این ایام اختصاص به بانوی مکرمه اسلام، دختر پیامبر اعظم صلوات الله علیه، حضرت صدیقه کبری سلام الله علیها دارد؛ از ایام شهادت حضرت گرفته تا ایام الله ولادت با سعادت ایشان. اتصال با اهل البيت عليهم السلام از طریق زیارت میسر است؛ چه در حرم مکانی ایشان و چه در حرم زمانی آن بزرگواران و چه در قلوب عارفین در هر زمان و هر مکان! این ایام در حقیقت، حرم زمانی است که ما می‌توانیم توفیق حضور در آن را بیابیم. باید دید چگونه می‌توان در این حرم، حضرت را زیارت کرد و از این زیارت همچون کلاس درسی، بیشترین بهره را برد؟ موانع این حضور چیست؟ بحثی که در ادامه می‌آید به صورت مختصر، پاسخگوی این سؤالات است.

معرفت نسبت به جایگاه اهل البيت عليهم السلام عامل اتصال به ایشان
مهم‌ترین مانع حضور، غفلت ما نسبت به شأن و جایگاه اهل بیت عليهم السلام است. قرآن کریم می‌فرماید که «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (سوره مبارکه عنکبوت آیه شریفه ۴۵)»؛ می‌فرماید نماز، همه

دردهایتان را درمان می‌کند. طوری کمکتان می‌کند که نه سراغ فحشا بروید نه منکر، ولی بلافاصله خبر از معرفت و عرفان بالاتری هم می‌دهد و می‌فرماید: «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» یعنی اگر این مقام صلاة است، از مقام صلاة بالاتر هم داریم؟ خداوند می‌فرماید بله! از مقام صلاة بالاتر، ذکر الله است. اگر دستتان به ذکر الله برسد، اصلاً سمت گناه نمی‌روید، سمت خلاف نمی‌روید، شیطان دستش به دامن شما نمی‌رسد. شیطان کوچک‌تر از این می‌شود که بخواهد به ساحت معرفتی شما تعرض کند. شما بچسبید به این ذکر الله. این ذکر الله چیست که از نماز هم بالاتر است؟ ما هم با روایات و هم با منطق عقلی می‌توانیم اثبات کنیم که ذکر الله یعنی اهل البیت علیهم السلام. خودشان فرموده‌اند: «نحن ذكْرُ الله»؛ ما ذکر الله هستیم، ما از نماز بالاتر هستیم، ما از عبادت بالاتر هستیم، ذکر ما موجب محو شدن فحشا و منکر می‌شود، منکرات به وسیله ما از بین می‌رود، فحشا به وسیله ما از بین می‌رود، فیوضات حق به وسیله ما متجلی می‌شود. «وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» یعنی ذکر ما در همه لحظه‌ها دست شما را می‌گیرد و نجات‌بخش است. نگذارید در زندگیتان، لحظه‌ای خالی از ذکر فاطمه باشد. خالی از نور فاطمه باشد. خالی از معرفت فاطمه باشد. کجا می‌روید؟ مگر در نماز نمی‌گویید: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» خدایا ما را به صراط مستقیم هدایت کن، این درخواست ماست در نماز، خودت به ما یاد دادی باید در نماز این آیه را بخوانیم: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ». حالا چگونه صراط مستقیم را به دست بیاوریم؟ دنباله آیه می‌فرماید: می‌دانید منظور از صراط مستقیم، صراط کسانی است که به ایشان نعمت دادی؛ «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ». حالا «أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ» چه کسانی هستند؟ قرآن کریم می‌فرماید ایشان، انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین هستند. خدایا! دست ما را در دست ایشان بگذار، یعنی ولایت ایشان را بر روح و جان ما حاکم کن تا ما به صراط مستقیم متصل شویم. تا ما از گزند هواهای نفسانی و خیانت‌های دنیایی نجات پیدا کنیم. پس با این استدلال قرآنی هم می‌توانیم بگوییم که ذکر الله اینها هستند. ما احتیاج داریم به ذکر الله.

حتی نماز ما را ذکر الله باید محافظت کند و الا نماز ما می شود نماز داعش. خلاصه آن که اولین اثری که شناخت جایگاه رفیع اهل بیت علیهم السلام دارد، این است که در ما ایجاد شوق و انگیزه برای وصال به آن حضرات می کند. وقتی بدانیم فاطمه کیست با تمام وجود می خواهیم به او برسیم.

وصال به حقیقت حضرت زهرا سلام الله علیها، سخت یا آسان؟

حضور در محضر حضرت صدیقه طاهره، هم خیلی آسان است هم خیلی سخت. آسان بودن آن به استناد این حدیث قدسی است که می فرماید: «یا موسی قُصِدْ لِي وَصَلْكَ إِلَيَّ»؛ به محض این که قصد مرا کردی، قصد اتصال و وصال مرا کردی، تو به من وصل شدی. وصال اهل بیت هم همین گونه است. اتصال به حضرت زهرا هم زحمت زیادی ندارد، خودشان فرموده اند به محض این که قصد کنید واصل می شوید. پس چگونه است که این وصل در ما رخ نمی دهد؟! مانع چیست؟ این که خداوند می فرماید «همین که قصد کنی واصل شده ای!» نشان می دهد که گرفتاری ما بر سر قصد کردنمان است. ما باید بگردیم و ببینیم ایراد ما، اشکال ما در قصد زیارت، کجای کار است؟ حالا فرقی نمی کند قصد زیارت حضرت مولا امام رضا علیه السلام باشد، قصد زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام باشد، قصد زیارت حضرت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام باشد، قصد زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. مهم این است که اشکال ما در قصد ماست. و الا معادله می گوید اگر قصدت درست باشد، وصل آن حتمی است. وصلش امضا شده است. ما باید در قلب خود جستجو کنیم و هر آن چه مانع قصد خالص در وصال اهل البیت است را شناسایی و برطرف کنیم تا وصل به سادگی حاصل شود.

حالا اگر به وصال برسیم چه می شود؟ از کجا بفهمیم که ما به دامان حضرت زهرا سلام الله علیها متصل شده ایم و در حال بهره بردن هستیم؟ خودشان فرمودند «نَحْنُ إِمَامُ الْقُلُوبِ»؛ ما امام دل ها هستیم. پس اگر این وصل اتفاق بیفتد و ما با امام دل ها ارتباط بگیریم، چه خبرها می شود! اگر

کسی آن ارتباط برایش فراهم شود، نورانیت به او دست می دهد، بصیرت پیدا می کند، انشراح صدر می یابد. نشاط حاصل می شود و خدا می داند نشاط حاصل از این وصال چقدر شیرین است! چقدر جالب است! این که آدم حس کند که چنین لیاقتی به او عطا کرده اند و دستش را به دامان حضرت زهرا سلام الله علیها رسانده اند، چقدر این حال معنوی، شیرین است! البته این فقط یک حال نیست، یک نورانیت است، یک بصیرت است، یک معرفت است.

راز مخفی بودن مزار حضرت زهرا سلام الله علیها

این که مرقد مطهر و مزار شریف حضرت زهرا سلام الله علیها پنهان مانده و این که خودشان مستقیماً این دستور را داده اند، معلوم می شود این قضیه را طراحی کرده اند. این یک مسئله ای نیست که به صورت اتفاقی پیش آمده باشد. یک وجه این قضیه، شرایط سیاسی آن روز بود اما وجه دیگر این طراحی، برای امثال من است که به هیچ عنوان نمی خواهند قلبشان را به کار بیندازند. نمی خواهند این پیام را درک کنند که حضرت زهرا سلام الله علیها در یک غیبت مستمر، در یک غیبت مطلق به سر می برند. پیام این است: چشم قلبت را باز کن! گوش قلبت را باز کن! فهم قلبت را باز کن! تو با چشم ظاهر نمی توانی مرا ببینی! دیگر این چشم را کنار بگذار! آخر اگر حضرت زهرا سلام الله علیها، ضریح داشته باشند باز من نادان به دنبال حضرت در داخل ضریح می گردم. اما با این برنامه، دیگر امیدم نا امید می شود. حضرت زهرا سلام الله علیها، با این چشم دیدنی نیست. باید فکرهای دیگری کرد تا بتوانیم با چشم قلبمان، با گوش قلبمان، با فهم قلبمان با حضرت زهرا سلام الله علیها ارتباط برقرار کنیم. به ما دستور داده اند با فهم قلبتان با خانم حضرت زهرا سلام الله علیها در ارتباط باشید. خوش به حال آنهایی که می توانند این فهم و درک قلب را به کار بگیرند و به نتیجه برسانند. نورانیت خاصی از این طریق شامل حال آدم می شود!

زیارت فضایل اهل البیت علیهم السلام از طریق معارف موجود در زیارت نامه های ایشان

یک مسیر زیارت حقیقی از طریق همین زیارت نامه هایی است که از لسان خود اهل بیت جاری شده است. نشانی حضرت را در زیارت نامه ایشان به ما داده اند. مشخصات و مختصات ایشان را برایمان طرح کرده اند. وقتی با این مشخصات به ایشان سلام می کنیم گویی به زیارت ملکات فاضله و صفات ارزشمند ایشان رفته ایم. به ما گفته اند حالا که نمی توانید حضرت را به لحاظ ظاهری زیارت کنید، سخاوتشان را زیارت کنید! عبادتشان را زیارت کنید! حکمت و کمالاتشان را زیارت کنید!

خانم جان! سلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَمْتَحَنَةُ الْمُتَحَنِكُ الَّذِي خَلَقَكَ فَوْجِدَكَ لِمَمْتَحَنِكَ صَابِرَةٌ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَحْدَثَةُ الْعَلِيمَةُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِيقَةُ الشَّهِيدَةُ
السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمُقْهُورَةُ

در زیارت تمام ائمه، همین حقیقت برقرار است. در زیارت امام حسین علیه السلام، حضرت مولا علیه السلام، حضرت رسول صلوات الله علیه، امام رضا علیه السلام و جمیع اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، قرار است چه چیزی را زیارت کنیم؟ ما که نمی رویم طلا و جواهرات را زیارت کنیم! می رویم که ملکات فاضله و آن کمالات ملکوتی شان را درک کنیم و آن ها را زیارت کنیم. لمس طلا و جواهرات، چه خاصیتی دارد؟ آیا همین که دستمان به ضریح مطهر ائمه علیهم السلام برسد یعنی ایشان را زیارت کرده ایم؟! قطعاً این طور نیست. باید ملکات فاضله اهل البیت علیهم السلام را زیارت کرد، علمشان را باید زیارت کرد، فضل ایشان را باید زیارت کرد، عصمت ایشان را باید زیارت کرد، سخاوت ایشان را باید زیارت کرد، شجاعت ایشان را باید زیارت کرد، دین مداری ایشان را باید زیارت کرد، پایداری و ثبات و استقامت ایشان را باید زیارت کرد، تقوای ایشان را باید

زیارت کرد، عبودیت ایشان را باید زیارت کرد، نورانیت ایشان را باید زیارت کرد، بصیرت ایشان را باید زیارت کرد، حالا کیست که بتواند علم حضرات را زیارت کند؟ کار هر کسی نیست!! اینها که در ضریح پیدا نمی‌شود!! در زیارت، همه ما باید چنین حالی داشته باشیم. این که مزار حضرت زهرا سلام الله علیها مخفی است، به تعبیری عنایتی از جانب حضرت حق بوده که من حجاب ضریح و زیارتگاه ظاهری را در مواجهه با ایشان نداشته باشم. پس باید بر آستان حضرتش چنین عرضه بدارم که زهرا جان! ممنونم که خدا به من این عنایت را کرده و حجاب‌های ضریح و طلا و جواهر، را برایم کنار گذاشته است. حالا این منم که باید خودم را آزمایش کنم، ببینم آیا زائر حضرت زهرا سلام الله علیها هستم یا نه؟ و همین حال را در برابر سایر اهل بیت هم داشته باشم. آیا من زائر حضرت رضا علیه السلام هستم یا نه؟ زائر حضرت مولا علیه السلام هستم یا نه؟ زائر امام حسین علیه السلام هستم یا نه؟ در یکی از دفعات که به زیارت عتبات مشرف شده بودم، در کنار گودال قتلگاه فردی از من پرسید: این گودال قتلگاهی که می‌گفتند، همین است؟! و البته با شدت و ضعف، این درد مشترک بسیاری از ماست. وقتی در اشیاء به دنبال زیارت می‌گردیم، وقتی از زیارت، طلا و جواهرش را می‌بینیم، نتیجه‌اش همین است! در گودال قتلگاه هم حقیقتی نمی‌یابیم. اگر قرار است زائر اهل بیت باشیم باید این ضریح و این طلا و جواهرات را رها کنیم. حضرت مولا علیه السلام، حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، حضرت رضا علیه السلام، داخل ضریح نیستند. آن جا دنبالشان نگرد. حقیقت حضرت مولا در شجاعت ایشان است. شجاعت ایشان را زیارت کن!! در علم و حکمت‌شان است. علم و حکمت ایشان را زیارت کن!! در تقوا و دین‌مداریشان است، تو تقوا و دین‌مداری ایشان را زیارت کن!! در سخاوتشان است، تو سخاوت ایشان را زیارت کن!! زیارت امام رضا علیه السلام آنجایی نیست که تو داری دنبالش می‌گردی!! فکر می‌کنید با این نگاه چند نفر زائر حقیقی امام رضا علیه السلام هستند؟ امام رضا علیه السلام را باید در معرفت، نورانیت، حکمت، بصیرت، قدرت، علم، ایمان،

نماز و تقوای ایشان زیارت کرد!!

در مورد امام زمان عَجَلُ اللهُ تَعَالَى فرجه الشریف هم این مطلب صدق می‌کند. واقعاً ایشان را کجا باید پیدا کرد؟؟؟ یک نفر می‌گوید در سامرا، یک نفر می‌گوید در فلان جا. در حالی که باید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را در عظمتش، در کرامتش، در شرفش، در قدرتش، در بصیرتش، در نورانیتش زیارت کرد. چند نفر داریم که در این صفات به دنبال امام زمان می‌گردند؟!؟!؟! فرازهای دعای ندبه را بخوانید. *يَا بَنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ * يَا بَنَ النَّجَبِ الْأَكْرَمِينَ * يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ * ... يَا بَنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ * يَا بَنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ * يَا بَنَ الشُّهُبِ الثَّقَابَةِ، يَا بَنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ ...* هیچ یک از نشانی‌هایی که به ما داده‌اند، درون ضریح پیدا نمی‌شوند!! از این عبارات نورانی به راحتی می‌توان فهمید که اهل‌البيت عليهم السلام را باید در زیارت‌نامه‌هایشان پیدا کرد، نه در ضریح‌هایشان!! شاید این حقیقت را شیعیان تازه در هنگام ظهور حضرت دریابند. تازه بفهمند که هزاران سال به اشتباه در پی ساخت گنبد و بارگاه و ضریح بوده‌اند و اصل موضوع را رها کرده‌اند. تمام زیارت‌نامه‌ها که البته اکثرشان هم از لحاظ سند و متن، معتبرند، آدرس ائمه اطهار عليهم السلام را یک جای دیگری می‌دهند. هیچ کدام نگفته‌اند که بروید و ائمه اطهار را در ضریح‌ها پیدا کنید. حالا حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها خودشان تکلیف را روشن کرده‌اند. حالا به جای آن که بگردیم و حقیقت حضرت را بیابیم، بزرگترین غم ما شده این که دسترسی به قبر حضرت نداریم که برای ایشان ضریحی در خور و جوشان بنا کنیم. حقیقت حضرت زهرا سلام الله علیها همین جاست: ** السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاضِلَةُ الرَّكِيَّةُ * السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْخَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ * طلا و جواهر حرم حضرت زهرا سلام الله علیها این هاست. شاید این تعبیر از ذهن‌ها دور باشد ولی حقیقتاً می‌توان انتظار داشت وقتی حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کنند، ظاهر این بقعه‌ها و حرم‌ها را تغییر دهند و حرمی متناسب با زیارت‌نامه حضرت، بنا کنند. اگر امروز هنرمندان چیره دست و مهندسان توانمند،*

ساخت این بناها را به دست گرفته‌اند، چه بسا در آن روز، عالمانی نورانی و اهل بصیرت که حقیقت، وجودی اهل بیت را شناخته‌اند از جانب امام زمان، مأموریت ساخت حرم شریف اهل بیت را بر عهده بگیرند؛ عالمانی همچون آیت‌الله بهجت است! آیت‌الله قاضی! آیت‌الله بهاء الدینی! شاید برای ما غیر قابل تصور باشد و بگوییم مگر ایشان مهندسی می‌دانند؟ مگر طراحی خوانده‌اند؟ شاید حتی به عمرشان مداد طراحی هم در دست نگرفته باشند! پس چگونه بتوانند چنین بنایی را طراحی کنن؟ چطور انتظار دارید این افراد مهندسی حرم اهل بیت علیهم السلام باشند؟ و شاید صدایی این چنین در گوشمان طنین‌انداز شود که این تصور شماسست که طراح حرم اهل بیت علیهم السلام، باید نقاش باشد، باید بتواند گل و بوته و پرند و ... بکشد. طراح حرم باید بتواند بر اساس زیارت‌نامه حضرات، حرم ایشان را طراحی کند. این باور قطعی من است که در زمان ظهور، هنرمندانی پیدا می‌شوند که این‌گونه نقش بزنند و مفاهیم ملکوتی را به تصویر بکشند؛ «أَشْهَدُ أَنْكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَأَتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَأَلْزَمَ أَغْدَانِكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكٍ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُظْمِئَةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ»، «راضيةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُجَبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ»

یک بار که به مسجد جمکران رفته بودم، دیدم چند خانم از همان محوطه بیرونی که پیاده‌روها هم هستند، روی همان خاک‌ها به سجده افتاده‌اند، خیلی خوشحال شدم، حس کردم این‌ها در جستجوی حقیقت، مسیر را گم نکرده‌اند. برخی جمکران که می‌روند، فقط دنبال نقطه‌ای می‌گردند که حضرت، در آن جا نماز خوانده‌اند. این‌ها آدرس را اشتباه گرفته‌اند. زیارت حقیقی در خالص‌ترین حالات، در بالاترین نیات، در شاخص‌ترین معرفت‌هاست.

فاطمه جان! مادر جان! می‌خواهی به قیمت از دست دادن محسنت،

به قیمت شکستن پهلویت به ما بفهمانی که اگر مرا و فرزندان من از اهل بیت علیهم السلام را خواستید زیارت کنید، دنبال طلا و جواهر نگردید. «اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُحِبِّينَ إِلَيْكَ وَالْهَمَّةُ وَ سُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ، وَأَعْلَامُ الْقاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ، وَأَفئِدَةُ الْعارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ، وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صاعِدَةٌ» آدرس اینجا است، چرا دنبال طلا و جواهر می‌گردید؟ چرا دنبال صحن و ضریح می‌گردید؟

بی وفا نگار من می‌کند به کار من
 خنده‌های زیر لب عشوه‌های پنهانی
 ما زدوست غیر از دوست مطلبی نمی‌خواهیم
 حور و جنت ای زاهد بر تو باد و ارزانی
 بهر امتحان ای دوست گر طلب کنی جان را
 آنچنان برافشانم کز طلب خجل مانی
 ما سیه گلیمان را جز بلا نمی‌شاید
 بردل بلاکش نه هر بلا که بتوانی

آدرس حضرت زهرا «فی القلوب العارفين» است. آدرس حضرت زهرا در گریه‌های عاشقان است. الهی شکر که حضرت زهرا درسی را به ما دادند تا بفهمیم حضرت در ضریح نیست تا لااقل راجع به خودشان این را عمل کنیم و در زیارت‌نامه‌ها به دنبال آدرس ایشان بگردیم. بلایی که سر همه ائمه اطهار آوردیم، دیگر سر حضرت زهرا نتوانستیم بیاوریم.

کلاس درس حضرت زهرا سلام الله علیها

ایام الله ولادت و شهادت اهل بیت علیهم السلام برای ما به مثابه یک کلاس درس است. حالا یک وقت در محضر حضرت زهرا سلام الله علیها هستیم و ایشان معلم ما هستند. یک وقت معلم ما امام حسین علیه السلام است، یک وقت معلم ما امام زمان عج است، یک وقت هم معلم ما حضرت مولا علیه السلام است و بدیهی است که هر کلاسی، در نهایت آزمونی هم دارد، حال می‌خواهد درس ریاضی و فیزیک باشد یا نقاشی و هنر و... و یا معرفت به اهل بیت. به هر حال ارزشیابی، ضروری است. یعنی در نهایت رفتار شاگرد کلاس باید نشان دهد که این کلاس در او تأثیری داشته یا نه؟ این اثر طبیعی همه کلاس‌ها است.

این ایام، ایام الله منتسب به بی بی دو عالم حضرت صدیقه کبراست که از

فاطمیه و ایام شهادت حضرت آغاز می‌شود و تا ولادت ایشان ادامه دارد. این معلم را بین چگونه عاشقانه پرپر شده برای این که ما یک چیزی یاد بگیریم، ولی عجیب است ما که شیعه هستیم در دانشگاهمان، در آموزش و پرورشمان، در خانواده‌مان، در جامعه-مان، در مدیریت‌هایمان، اثرات آموزشی این مربی که جان گذاشت و خودش را فدا کرد، حتی اثر خودش را هم فدا کرد، دستور داد قبرم را پنهان نگهدارید، دیده نمی‌شود. حضرت می‌خواهد به ما آموزش بدهد که چگونه جان بگذاریم، چگونه همه چیزمان را فدا کنیم و اثری از خودمان باقی نگذاریم. بالاخره ما باید از این آموزش چیزی یاد گرفته باشیم یا نه؟ در جامعه، در خانواده، در کسب و کار، در شرکت‌ها، در ادارات، در دانشگاه‌ها، در مدرسه‌ها، نشانه‌های فراگیری ما کجاست؟ اصلاً مثل این که العیاذ بالله ما چنین معلمی نداشته‌ایم! انوار طیبه حضرت زهرا سلام الله علیها در رفتار ما اصلاً منعکس نیست! افعال ایشان در وجود ما پیدا نیست! مهارت‌هایی که ایشان در برخورد با دشمنان غاصب و ظالم به ما آموختند در رفتار ما پیدا نیست! مهارت‌هایی که در توحید، در عبودیت، در دفاع از ولایت به ما آموختند، در رفتار ما منعکس نیست. اصلاً آدم خجالت می‌کشد از این ضعفی که در رفتارمان وجود دارد. گویا نعوذ بالله ما حضرت زهرا سلام الله علیها را نداشته‌ایم. همه این‌ها ناشی از همان عدم شناخت نسبت به جایگاه حقیقی حضرت زهراست که در ابتدای بحث از آن سخن گفتیم.

فاطمیه و ایام ولادت حضرت، یک کد تقویمی و تاریخی نیست. بلکه حرم زمانی و حرم ملکوتی است برای اهل تقوا. ملکوت این ایام، نام مبارک حضرت زهرا است، تجلیات حضرت زهرا است، انوار حضرت زهرا است، معرفت حضرت زهرا است، تقوای حضرت زهرا است، شجاعت حضرت زهرا است، دفاع حضرت زهرا است، تقوای حضرت زهرا است، همه اینها در این ایام متجلی است که باید در اعمال و رفتار ما منعکس شود. یعنی موضوع روضه نیست. حالا موضوع فقط شهادت هم نیست. در ایام ولادت ایشان هم این انوار باید منعکس شوند. بالاخره ذکر الله هستند و ما باید مذکر

شویم «إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ». اصلاً ذات رفتار و اعمالمان، گفتارمان، کردارمان به ویژه در ایام فاطمیه و در ایام ولادت حضرت باید مذكر حضرت فاطمه باشد. برای همین لحظه‌ای نباید از ما بگذرد که حضرت فاطمه از رفتار ما فراموش شود، از رفتار ما غایب شود. ما باید مذكر مولایمان حضرت فاطمه باشیم. چراکه هدایت ما مدیون هدایت‌های حضرت فاطمه است، معرفت ما مدیون حضرت فاطمه است، نورانیت و بصیرت ما مدیون حضرت فاطمه است، ارتباط و اتصال ما به اهل البیت مدیون شفاعت حضرت فاطمه است، نجات ما از گناهان و هواهای نفسانیمان مدیون حضرت فاطمه است، اتصال ما به ملکوت مدیون حضرت فاطمه است، حتی امنیت و ظواهر زندگیمان مدیون حضرت فاطمه است. ما دائماً باید به ذکر اهل البیت که محور آنها حضرت فاطمه است، متذکر باشیم. ساعتی و روزی نگذرد که زندگی ما از ذکر حضرت فاطمه خالی باشد. لحظه‌های زندگی ما باید با حضرت فاطمه عجین باشد. باید دائم از معرفت ایشان، از تقوای ایشان، از شوهرداری ایشان، از فرزندداری ایشان، از عبادات ایشان، از سلوک و ساده زیستی ایشان، از مجاهدت و شجاعت ایشان، از معرفت و دفاع از ولایت ایشان، از آموزش، از علم، از بصیرت ایشان، درس بگیریم، یعنی لحظه به لحظه یک برگی از زندگی ایشان باید در زندگی ما متجلی شود تا ما بتوانیم خودمان را منتسب کنیم به این خاندان بزرگوار. این چه ذلتی است؟ این چه خواری است؟ این چه بدبختی است که بر سر ما آمده، با اینکه ایام فاطمیه یک روز و یک ساعت هم نیست که تمام شود، روزها فرصت داریم به ذکر حضرت فاطمه متذکر شویم ولی این کار را اگر خیلی متدین باشیم سپرده‌ایم به دست مداحان. برویم یک هیأتی یک نفر هم برای ما شعر بخواند و بگوید حضرت فاطمه آدم خوبی بود. مثل اینکه خودمان مأموریتی نداریم. مثل اینکه خودمان دینی نداریم. مثل اینکه خودمان راهی نداریم. مثل اینکه خودمان اصلاً وظیفه‌ای نداریم. این خطرناک است. اصلاً آن «وَلَذَكِّرُ اللَّهُ أَكْبَرُ» یک چیز عجیبی است. شما سر نماز چه حالی پیدا می‌کنید اگر نماز نورانی و نماز بصیر و نماز با تقوا

و نماز با معرفت خوانده باشید؟ چقدر تشکر می‌کنید. یک زیارت حضرت سید الکریم عبد العظیم حسنی می‌روید چقدر لذت می‌برید آنجا به نماز مشغول می‌شوید؟ می‌روید آنجا ذکر الله کنید. آنوقت می‌فرماید: «وَلَذَكُّرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» اگر به «ذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ» متوسل شوید ببینید چه حالی خواهید شد! لازم نیست شهادتی در کار باشد یا تولدی، اصلاً همین که زیر سایه پر عظمت، زیر انوار پر جلال و پر جمال و شکوهمند حضرت فاطمه قرار می‌گیرید چقدر شادی آوراست؟ چقدر ما را از نماز جلوتر می‌برد؟ از نمازی که خود، جلوتر از همه چیز است!

و اگر ما خود را تربیت شده مکتب حضرت زهرا می‌دانیم باید آثار معرفت به وجود ایشان را با خود داشته باشیم. درست مثل زنانی که هم عصر حضرت بودند و با ایشان ارتباط داشتند، اما همه یک رفتار نداشتند. با معرفت‌ها از این خانه خبر می‌بردند، دفاع می‌کردند، حرف می‌زدند، نمی‌گذاشتند ذکر حضرت فاطمه فراموش شود. اما زنهایی هم بودند که متأسفانه اکثریت‌شان هم از این گونه بودند، می‌آمدند تازه حضرت زهرا را هم نصیحت می‌کردند و می‌رفتند. انگار نه انگار که سیده عالم مطالبه‌اش چیست؟ نگرانی‌اش کجاست؟ چه چیزی را ثواب می‌داند؟ هدایت ما را در چه چیزهایی می‌داند؟ خطرات و گمراهی ما را در چه چیزهایی می‌داند؟ برای راهنمایی و هدایت ما چه پیشنهادهایی دارد؟ چه خطراتی را دارد پیش‌بینی می‌کند که این‌گونه مضطرب است؟ خانم‌های آن زمان، متأسفانه جز یکی دو نفر که اسم‌شان در روایات آمده، بقیه را ندیدیم که به دلسوزی حضرت فاطمه و پیروی حضرت فاطمه، به معرفت حضرت فاطمه، به شفاعت حضرت فاطمه، به انوار حضرت فاطمه متوسل باشند، نقل کنند، خبر بدهند. مردان نسبت به حضرت، نامحرم بودند، زن‌ها که دیگر نامحرم نبودند. اما زنان هم حضرت را کاملاً به فراموشی سپرده بودند. اگر هم به حضرت فاطمه سر می‌زدند بعد از دیدار می‌گفتند: ما رفتیم به او نصیحت کردیم که اینقدر گریه نکند! یعنی نصیحت می‌کردند! مثل نصیحتی که به یک آدم خطا کار می‌کنند!

اما امروز چه طور؟! آیا حضرت زهرا از آن غربت درآمده‌اند؟ حقیقتاً این گونه نیست و شاید زهرای اطهر در این زمان غریبتر از آن موقع هم باشد. زهرا غریب است چون حرف زهرا غریب است. همین غربت کلام حضرت بود که موجب شهادت ایشان شد و گرنه کسی جرأت نمی‌کرد به ایشان جسارت کند. امروز هم همین‌گونه است. ایام ولادت و شهادت حضرت، می‌آید و می‌رود و بسیاری، فقط به ذکر وقایع آن روز اکتفا می‌کنند و خدا کند ما از جمله این افراد نباشیم.

زهرا جان! ممنونم که
خدا به من این عنایت را کرده و حجاب های ضریح و
طلا و جواهر، را برابیم کنار گذاشته است. حالا این منم
که باید خودم را آزمایش کنم، ببینم آیا زائر حضرت زهرا
سلام الله علیها هستم یا نه؟



موسسه صابره سلام الله علیها

تهران خ حافظ خ هاتف خ محمد بیگ پلاک ۶۴ موسسه قرآن و عترت

صابره (س)

www.sabereh.ir